

گزارش

«شرق» از احتمال ادامه گفت‌وگوهای ایران و اروپا گزارش می‌دهد نفس‌های آخر دیپلماسی هسته‌ای؟

مالک مصدق، دیروز (دوشنبه) اسامعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، در نشست خبری خود با خبرنگاران از احتمال برگزاری دور جدید گفت‌وگوهای هسته‌ای میان ایران و کشورهای اروپایی در اواخر ماه جاری (اسفند) خبر داد.
به گفته او، این گفت‌وگوها به احتمال زیاد در سطح کارشناسی برگزار خواهد شد. این نشست احتمالی در حالی برگزار می‌شود که اروپا سعی دارد طی سه ماه آتی تا نشست بعدی شورای حکام،گام‌های لازم برای فعال کردن مکانیسم ماشه را بردارد که سخنگوی وزارت خارجه ایران در واکنش به هشدارهای کشورهای اروپایی در همین مورد (احتمال فعال کردن مکانیسم ماشه و بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران) به صراحت عنوان کرد: «هیچ توصیه‌ی برای فعال‌شدن این مکانیسم وجود ندارد.»
به گفته بقایی، «طرف‌های اروپایی به نظر می‌رسد به این نتیجه رسیده‌اند که مکانیسم ماشه نمی‌تواند به‌عنوان ابزاری برای امتیازگیری استفاده شود و از تبعات آن آگاه هستند.»

سخنگوی دستگاه دیپلماسی درباره تمایل دونالد ترامپ برای مذاکره با ایران به‌جای اقدام نظامی اظهار کرد: «ما هیچ‌گاه در‌های مذاکره را به‌طور کامل نبسته‌ایم، اما مذاکراتی را که بر پایه ارضاب و تهدید باشد، به‌هیچ‌وجه مایل نمی‌دانیم.» او همچنین اضافه کرد که به رغم ادعای ترامپ در مصاحبه‌ای تلویزیونی مبنی بر ارسال نامه‌ای در رهبر ایران برای دعوت به مذاکره، ایران هیچ نامه‌ای از سوی رئیس جمهور آمریکا دریافت نکرده است.

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران نیز از ریزنی‌های تهران با سه کشور اروپایی و به‌طور جداگانه با روسیه و چین خبر داد. او در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که هدف از این گفت‌وگوها ایجاد «اتحاد بیشتر و شفافیت» در مورد برنامه هسته‌ای ایران در ازای لغو تحریم‌های «غیرقانونی» علیه این کشور است.
پیش از این، دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد اعلام کرده بود موضوع رفع نگرانی‌ها از احتمال نظامی شدن برنامه هسته‌ای ایران نیز در دست بررسی است.
وزیر امور خارجه ایران همچنین در یادداشتی بیان کرد که تهران تحت هیچ شرایطی تحت فشار و تهدید مذاکره نخواهد کرد و افزود: «هر زمان که آمریکا با ایران با احترام برخورد کرده، ایران نیز با احترام متقابل برخورد کرده است، اما هرگاه از موضع تهدید صحبت کرده، ایران نیز واکنش‌های جدی نشان داده است.»

میانجگری به وقت مسکو

در همین حال، روسیه از احتمال آمادگی ایران برای پذیرش محدودیت‌هایی در فعالیت هسته‌ای خود در ازای لغو تحریم‌ها خبر داده است. ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، در گفت‌وگویی با روزنامه اسرائیلی «هآرتص» اظهار کرد که مسکو احتمال می‌دهد ایران با پذیرش محدودیت‌هایی در برنامه هسته‌ای خود در ازای لغو تحریم‌ها موافقت کند. او همچنین افزود که روسیه برای همکاری نزدیک‌تر با تهران و سایر طرف‌های دخیل در این موضوع جهت کاهش تنش‌ها و دستیابی به راه‌حل‌های پایدار آماده است.

این در حالی است که خبرهایی از تلاش روسیه برای واسطت میان واشنگتن و تهران در پرونده هسته‌ای ایران منتشر شده است. پس از آنکه لوبومرگ گزارش داد روسیه آماده است دولت آمریکا را در موضوعاتی همچون برنامه هسته‌ای ایران یاری کند، دمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، تأیید کرد که مسکو و واشنگتن در مذاکرات ریاض درخصوص تهران گفت‌وگوهای داشته‌اند. او همچنین تأکید کرد که موضوع هسته‌ای ایران در مذاکرات آینده بین روسیه و آمریکا مطرح خواهد شد.

۳ ماه فرصت به توافق می‌انجامد؟

پیرو آنچه گفته شد، گفت‌وگوهای احتمالی ایران و اروپا در فرصت سه‌ماهه پیش‌رو تا نشست بعدی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بعید است به نتیجه‌ای ملموس و درخور توجه برسد؛ چراکه باید چندین جنبه مختلف از این مذاکرات و شرایط پیچیده آن را در نظر بگیریم. اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، شرایط پیچیده روابط ایران و کشورهای اروپایی در سال‌های اخیر است. وجود تلاش‌های دیپلماتیک مداوم و چندین دور گفت‌وگو، هیچ‌کدام از این مذاکرات نتوانسته به توافقات پایداری منجر شود. به عبارت دیگر، زمینه‌های تاریخی این مذاکرات نشان می‌دهد مسیر رسیدن به یک توافق جامع و پایدار، به‌ویژه در حوزه هسته‌ای، با چالش‌های متعددی همراه بوده است.
حالا اینکه در سه ماه آینده به یک نتیجه قطعی دست یابند، کار دشواری به نظر می‌رسد؛ چراکه مسائل هسته‌ای ایران به‌طور مستقیم با امنیت ملی این کشور و نیز با موقعیت سیاسی ایران در منطقه و جهان در ارتباط است. دوم، اینکه ایران از دوره به‌طور قاطع هیچ‌گونه تهدید و فشار خارجی‌ای را نمی‌پذیرد و از نظر دیپلماتیک بر این باور است که باید مذاکرات بر اساس احترام متقابل و تعهدات قبلی انجام شود. این دیدگاه ایران، نه‌تنها نشان‌دهنده موضع اصولی این کشور، بلکه حاکی از بی‌اعتمادی به وعده‌های کشورهای اروپایی و ایالات متحده است.
در نتیجه، ایران ممکن است به راحتی در برابر هرگونه فشار یا تهدیدی از سوی اروپایی‌ها مقاومت کند. این خود نشان می‌دهد که احتمال رسیدن به یک توافق در بازه زمانی سه‌ماهه، با توجه به مواضع اصولی هر دو طرف، کم است. سوم، کشورهای اروپایی نیز خود با چالش‌های داخلی و خارجی متعددی به‌خصوص بعد از بازگشت ترامپ به کاخ سفید مواجه هستند. بنابراین بحران‌ها و مسائل اقتصادی در اتحادیه اروپا، تأثیرات جنگ در اوکراین و دیگر مشکلات جهانی ممکن است باعث شود اروپا نتواند یا نخواهد به‌سرعت به توافقاتی پایدار با ایران دست یابد. علاوه بر این، اختلافات میان کشورهای اروپایی در رویکرد به ایران و پرونده هسته‌ای آن، می‌تواند عامل دیگری باشد که روند مذاکرات را دچار تعویق یا کندی کند. البته در روی دیگر این سکه می‌توان گفت علی‌رغم دشواری‌ها و موانعی که در طول سال‌ها بر سر راه ایران و قدرت‌های اروپایی قرار گرفته، هنوز هم می‌توان در نفس‌های آخر این دیپلماسی به نتایج مثبت امیدوار بود. نکته‌ای که در همین زمینه باید به آن توجه کرد، این است که ایران همواره ثابت کرده که در شرایط بحرانی و زمانی که به نظر می‌رسد همه راه‌ها بسته است، همچنان به دیپلماسی به‌عنوان ابزاری برای حل بحران‌ها و تفاهم با طرف‌های بین‌المللی نگاه می‌کند؛ به‌ویژه در شرایط کنونی که مذاکرات هسته‌ای به یکی از موضوعات کلیدی در سیاست خارجی ایران تبدیل شده است، هنوز هم امکان تغییراتی مثبت وجود دارد. ایران از آغاز مذاکرات هسته‌ای در سال‌های گذشته، با وجود فشارها و تهدیدهای مختلف، همواره آماده بوده است تا به توافقات معقول و پایدار برسد. این رفتار نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و تمایل ایران به حل‌وفصل اختلاف‌ها از طریق گفت‌وگو است.

یادداشت

تبادل نظر یا مذاکره

برخی عوامل دیگر مانند توصیه چین و روسیه به ایران برای مذاکره و مخالفت افراطیون اسرائیلی با مذاکره برای حل مشکل بین ایران و آمریکا را نباید از یاد برد. آنجا که ترامپ در مصاحبه اخیر گفت: «من ترجیح می‌دهم با ایران مذاکره کنم؛ مطمئن نیستم که همه با من موافق باشند».
احتمالا اشاره‌ش به اسرائیل بود. این رژیم حضور ترامپ در قدرت را یک فرصت استثنائی برای حمله به ایران می‌داند و معتقد است که مذاکره می‌تواند به ماندگار برنامه هسته‌ای ایران بینجامد.

«شرق» دو کلیدواژه پرکاربرد «مذاکره» و «حمله نظامی» دولت ترامپ در قبال ایران را واکاوی می‌کند

در جست‌وجوی «توافق» میان دندان‌های «جنگ»

که آمریکا ممکن است بمب‌های بزرگ‌تری را در اختیار اسرائیل قرار دهد که توانایی تخریب تأسیسات هسته‌ای ایران را دارند.»

در مقایسه با جو بایدن که معمولاً در واکنش به تحولات جهانی عمل می‌کند، ترامپ خود را فردی می‌داند که باید دستور کار جهانی را تعیین کند. او از کشورهای مختلف، به‌ویژه اعضای ناتو، خواسته که سهم بیشتری در تأمین هزینه‌های دفاعی جهانی بپردازند. ترامپ از کشورهای ناتو درخواست کرده که پنج درصد از تولید ناخالص داخلی خود را برای امنیت اختصاص دهند. در نهایت به نظر می‌رسد که ترامپ همچنان به تاکتیک «مه جنگ» متوسل می‌شود. این استراتژی ممکن است در کوتاه‌مدت برای آمریکا مفید باشد، اما در درازمدت، می‌تواند این کشور را با چالش‌های جدیدی مواجه کند. تنها زمان مشخص خواهد کرد که این سیاست، آمریکا را به موقعیتی قدرتمندتر خواهد رساند یا برعکس، این کشور را درگیر بحرانی تازه خواهد کرد.

رقص با دو گزینه

پیرو آنچه گفته شد و در تحلیل نهایی سیاست‌های دولت ترامپ در قبال ایران، مشاهده می‌شود که رئیس جمهور آمریکا در تلاش است تا ایران را به وضعیتی سوق دهد که هیچ گزینه‌ای جز تسلیم‌شدن در برابر خواسته‌های آمریکا نداشته باشد. در این مسیر، ترامپ به طور هم‌زمان از دو ابزار اصلی استفاده می‌کند: «مذاکره» و «تهدید به حمله نظامی». این دو ابزار به طور مداوم در استراتژی او قرار دارند و هرکدام به نوعی برای فشار بیشتر بر ایران عمل می‌کنند. استفاده از مذاکره از سوی ترامپ، ممکن است در نگاه اول به‌عنوان یک راه‌حل دیپلماتیک به نظر برسد، اما در واقعیت هدف ترامپ از این مذاکره، تحمیل شرایطی است که ایران را به پذیرش محدودیت‌های بیشتری وادار کند. این محدودیت‌ها تنها به برنامه هسته‌ای محدود نمی‌شود، بلکه به مسائل موشکی و حتی نفوذ منطقه‌ای ایران نیز کشیده می‌شود، بنابراین مذاکره در سیاست ترامپ به‌عنوان یک ابزار فشار بیشتر در نظر گرفته می‌شود تا به ایران نشان دهد که اگر خواسته‌های واشنگتن را نپذیرد، گزینه‌های دیگری مانند تحریم‌های شدیدتر یا حتی گزینه نظامی در پیش است.

تهدید به حمله نظامی نیز بخشی از این استراتژی است که ترامپ از آن برای ایجاد ترس و دلهره در میان مقامات ایرانی استفاده می‌کند. او به‌وسيله تهدید به اقدام نظامی، سعی دارد ایران را در موقعیتی قرار دهد که در آن، تمام محاسبات سیاسی و استراتژیک ایران تغییر کند. در این فضا، ترامپ به ایران پیام می‌دهد که اگر به خواسته‌های آمریکا تن ندهد، هزینه‌های سنگینی برای آن کشور در پی خواهد داشت. در این بازی پیچیده، در حقیقت به نوعی از ایران خواسته می‌شود که انتخابی بین پذیرش تغییرات عمده در سیاست‌های هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای خود یا مواجهه با تحریم‌ها و تهدیدات نظامی سنگین‌تر انجام دهد. ترامپ با این روش، می‌خواهد ایران را به جایی برساند که احساس کند نمی‌تواند وضعیت موجود را حفظ کند و تنها راه برای بقا، تسلیم‌شدن در برابر فشارهای خارجی است. در نهایت، استراتژی ترامپ به‌عنوان یک آزمون و چالش برای ایران عمل می‌کند. این چالش نه‌تنها در حوزه هسته‌ای، بلکه در ابعاد گسترده‌تری از سیاست‌های منطقه‌ای و داخلی ایران نیز تأثیر خواهد گذاشت. درصورتی‌که ایران تحت فشار این استراتژی قرار بگیرد، می‌تواند به تغییراتی در سیاست‌های خود دست یابد یا حتی ممکن است به طور کامل مذاکره با آمریکا را بپذیرد.



پذیرش شرایطی است که هم از نظر هسته‌ای، هم از نظر موشکی و هم در سطح نفوذ منطقه‌ای برای آمریکا و متحدانش مطلوب باشد.

جایگاه استعاری «حمله نظامی» در سپهر فکری ترامپ

دونالد ترامپ همواره به‌عنوان سیاست‌مداری پیش‌بینی‌ناپذیر شناخته شده است. او در کنار استفاده مکرر از کلیدواژه‌هایی مانند «مذاکره» و «توافق»، به طور هم‌زمان بر طبل تهدید نظامی نیز می‌کوبد. این راهبرد دوگانه در سخنان اخیر مقامات آمریکایی و اسرائیلی نیز بازتاب داشته است. آدام بویتر، فرستاده ویژه آمریکا در امور کروگان‌ها، به‌تازگی مدعی شده که ناپودک‌ردن برنامه هسته‌ای ایران برای آمریکا و اسرائیل دشوار نیست. هم‌زمان لیبندسی گراهام، سناتور جمهوری خواه، خواستار توقف کامل فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم در ایران شده است. در همین راستا، ایال زمیر، رئیس جدید ستاد کل ارتش اسرائیل، اعلام کرده که سال جاری میلادی، سال جنگ با تمرکز بر غزه و ایران خواهد بود. تنش‌ها تنها به اظهارات سیاسی محدود نشده‌اند. نیروی هوایی آمریکا و اسرائیل به‌تازگی یک آزمایش مشترک بر فراز دریای مدیترانه برگزار کرده‌اند که شامل تمرین بمباران اهداف دور‌دست و سوخت‌گیری هوایی بوده است.

برخی تحلیلگران معتقدند که این تمرینات، آماده‌سازی برای هدف قراردادن تأسیسات هسته‌ای ایران است. اما مقوله جنگ یا حمله نظامی چه مفهوم و کارکردی در سپهر فکری ترامپ دارد؟

برای درک بهتر این موضوع، می‌توان به تحلیل جاناتان سویت، افسر اطلاعاتی سابق ارتش آمریکا، در نشریه «هیلت» رجوع کرد. به گفته او، «ترامپ در حال استفاده از تاکتیکی به نام «مه جنگ» است؛ مفهومی که نخستین بار از سوی کارل فون کلایوزویتس، استراتژیست نظامی آلمانی، مطرح شد. این مفهوم به شرایطی اشاره دارد که در آن، ابهام و فشار موجب سردرگمی فرماندهان و پیچیده‌شدن الزامی‌های نظامی می‌شود. ترامپ با بهره‌گیری از این استراتژی، نه‌تنها در سیاست داخلی، بلکه در دیپلماسی بین‌المللی نیز نیات واقعی خود را پنهان می‌کند. دربارہ ایران، سیاست ترامپ همچنان با پیچیدگی‌هایی همراه است. هرچند او سیاست «فشار حداکثری» را از سرش گرفته، اما هنوز به اقدامی نظامی دست نزده است. با این حال، تصمیم اخیر او برای ارسال بمب‌های دو هزار پوندی به اسرائیل - که پیش‌تر از طرف جو بایدن متوقف شده بود- نشان از احتمال افزایش تنش‌ها دارد. گزارش‌هایی نیز منتشر شده

تخفیف ۳۰٪
شامل تمامی محصولات
کد تخفیف : **norouz1404**
شماره تلفن سفارشات | ۰۲۱۸۸۹۴۲۰۳۵ | ۰۹۱۰۲۰۴۳۹۲۴

مذاکره و توافق مدنظر ترامپ

از عصر جمعه و پس از انتشار نامه‌ای که به‌طور ادعایی از سوی ترامپ به رهبر انقلاب ارسال شده بود، توجه‌ها دوباره به سمت خواسته‌های رئیس‌جمهور ایالات متحده برای مذاکره با تهران جلب شده است. این مسئله موجب شده تا سؤالی اساسی در میان تحلیلگران شکل بگیرد که ترامپ از این اصرار بر مذاکره با ایران به دنبال چه نوع توافقی است؟ برای یافتن پاسخی دقیق‌تر، باید به محتوای یادداشت اجرائی یادداشت‌های ترامپ در تاریخ ۱۶ بهمن/ ۲۸ ژانویه امضا شد، بازگردیم. این یادداشت که به منظور بازگرداندن سیاست «فشار حداکثری» علیه ایران تدوین شده، به‌خوبی نشان می‌دهد که ترامپ از این فشارها و مذاکره چه هدفی دارد.

ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، در صورتی که بخواهد نهادها و دستگاه‌های اجرائی را به انجام دستورات خود ملزم کند، از سه نوع سند استفاده می‌کند: «فرمان اجرائی»، «اعلامیه» و «یادداشت اجرائی». حدود یک ماه پیش، رئیس‌جمهور آمریکا با امضای یادداشت اجرائی جدید، سیاست‌های جدیدی را در قبال ایران اتخاذ کرد. این یادداشت به‌طور کلی از نظر حقوقی جایگاه پایین‌تری نسبت به فرمان اجرائی دارد و قدرت اجرائی کمتری را شامل می‌شود. برخلاف فرمان‌های اجرائی که باید در نشریه رسمی دولت منتشر شوند، یادداشت اجرائی نیازی به انتشار عمومی ندارد، اما کاخ سفید خلاصه‌ای از آن را در قالب یک گزاره‌برگ (Fact Sheet) منتشر کرد. محتوای این یادداشت بر سه محور اصلی متمرکز است: «جلب‌گیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای»، «خنثی‌سازی شبکه‌های تروریستی مرتبط با ایران» و «مقابله با توسعه موشکی و سایر توانمندی‌های نظامی ایران».

این سند به مقامات آمریکایی دستور می‌دهد که اقدامات مختلفی را انجام دهند. وزیر خزانه‌داری موظف است فشار اقتصادی حداکثری را از طریق تحریم‌ها و مکانیسم‌های اجرائی علیه ایران و ناقضان تحریم‌ها اعمال کند. وزیر امور خارجه نیز موظف به اصلاح یا لغو معافیت‌های تجریمی و همکاری با وزیر خزانه‌داری در راستای کاهش صادرات نفت ایران است. نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل نیز باید با همکاری متحدان واشنگتن، تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران را احیا کند. ترامپ و تیمش به وضوح اعلام کرده‌اند هدف از فشارها جدید، وادارکردن ایران به پذیرش یک توافق جامع است که نه‌تنها محدودیت‌هایی بر برنامه هسته‌ای ایجاد می‌کند، بلکه بر مسائل موشکی، منطقه‌ای و حتی داخلی ایران نیز تأکید دارد. به این ترتیب، دولت ترامپ در تلاش است با اعمال تحریم‌های بی‌سابقه، ایران را به جایی برساند که مذاکره را تنها گزینه ممکن ببیند.

این راهبرد به‌وضوح نشان می‌دهد که ترامپ معتقد است «مذاکره از موضع قدرت» تنها راه به نتیجه رسیدن با ایران است. دولت او قصد دارد با تشدید تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی، ایران را به نقطه‌ای برساند که دیگر قادر به ادامه وضعیت موجود نباشد. در همین راستا، یادداشت اجرائی جدید، وزارت خزانه‌داری را موظف کرده است که همه بخش‌های اقتصادی ایران ازجمله نفت، بانک‌داری، پتروشیمی و فنآوری را تحت فشار قرار دهد. هدف نهایی ترامپ از این سیاست، رسیدن به یک توافق جامع با ایران است که در آن محدودیت‌های دائمی برای برنامه هسته‌ای آمریکا کنترل بر توان موشکی ایران و کاهش نفوذ منطقه‌ای این کشور لحاظ شود. در این راستا، ترامپ و تیم او به طور خاص به دنبال دستیابی به توافقی هستند که همه مؤلفه‌های قدرت ایران را تضعیف کند. با توجه به این‌همه فشار، واشنگتن به طور هم‌زمان در پی احیای «مکانیسم ماشه» است که می‌تواند تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را از نو به اجرا درآورد. علاوه‌براین کاخ سفید قصد دارد همکاری‌های امنیتی و نظامی با اسرائیل و کشورهای عربی منطقه را افزایش دهد تا فشارهای امنیتی بیشتری به ایران وارد کند. در نهایت، بر این سیاست‌ها، آمریکا قصد دارد ایران را به مذاکراتی وادار کند که از آن، هیچ گزینه دیگری برای تهران باقی نماند. این فشارها به طور کلی در جهت وادارکردن ایران به